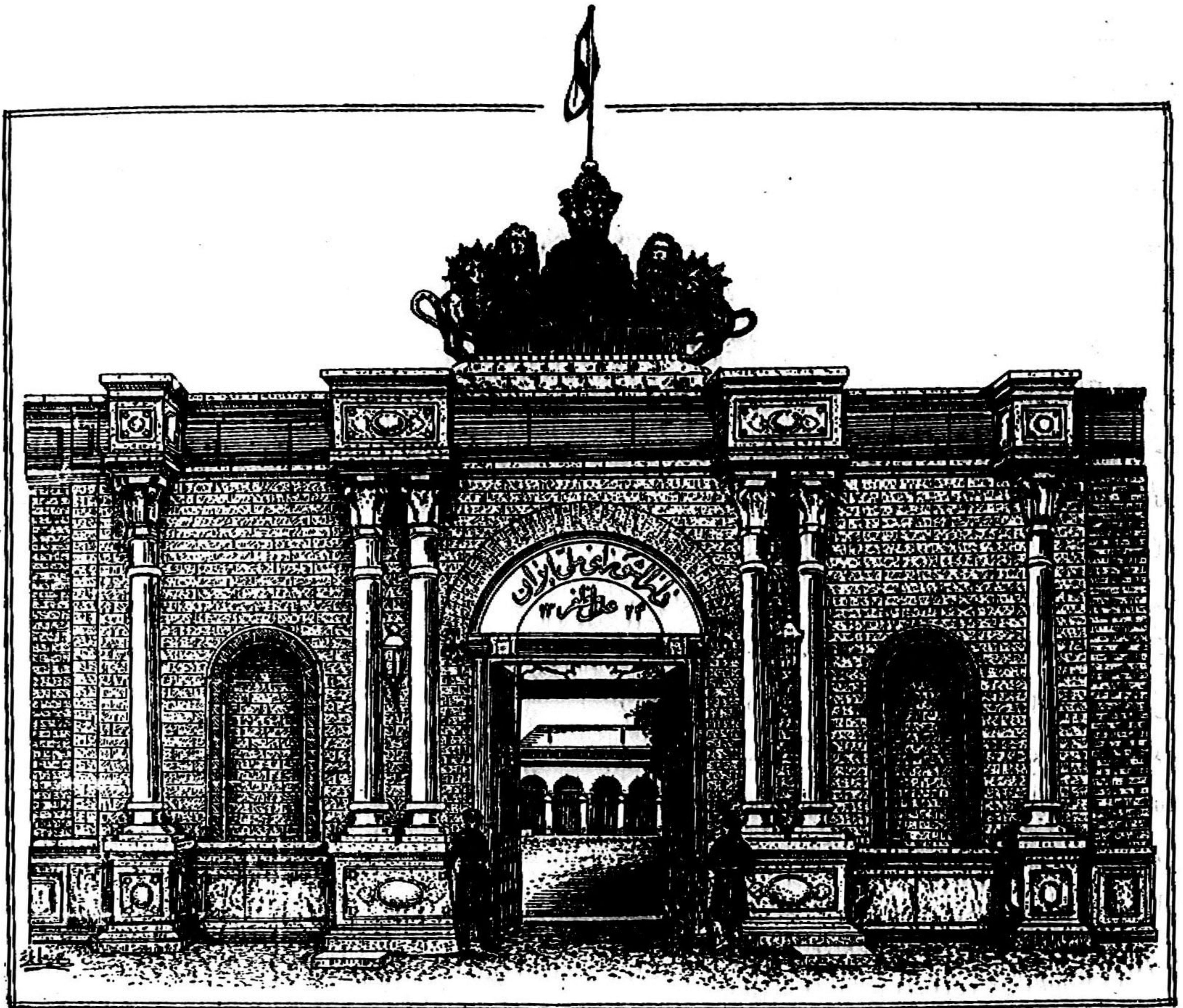


<p>جلسه ۶۳</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره پنجم و ۲۲</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه سه شنبه ۲۵ بهمنماه ۱۳۰۵ مطابق ۱۲ شعبان ۱۳۴۵</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهند بود. پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبعه مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ایران سالانه ده تومان خارج « دوازده تومان قیمه تک شماره یک قران</p>

فهرست مندرجات

الی صفحه	از صفحه	عنوان
۴۸۷	۴۷۵	بقیه شور نسبت بخر کمسیون قوانین مالیه راجع به تاسیس بانک ملی [مواد (۶-۲) خر جدید کمسیون و ماده ۵ خر قدیم]
۴۹۷	۴۸۷	رای اعتماد به کابینه آقای میرزا حسن خان مستوفی و مذاکرات در اطراف آن



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس مورخه سه شنبه ۲۵ بهمنماه ۱۳۰۵ مطابق ۱۲ شعبان ۱۳۴۵

جلسه ۶۳

رئیس - صورت مجلس معارضی ندارد؟
(گفتند خبر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد.

(مجلس دو ساعت و ربع قبل از ظهر بریاست
آقای پیرنیا تشکیل گردید.)

(صورت مجلس روز یکشنبه بیست و سوم بهمن را
آقای ضیاء قرائت نمودند.)

رئیس - قبل از اینکه وارد دستور شویم باید عرض مجلس برسانم که آقای میرزا عبدالله خان ونوق از عضویت کمیسیون نظام استعفا داده اند در جلسات بعد باید بکنفر بجای ایشان تعیین شود. دستور امروز هم لایحه راجع بانگ ملی است از مادو پنجم. فقره پیشنهاد در جلسات قبل رسیده بود نگاهش باید معلوم شود. پیشنهادها قرائت میشود و در قابل توجه بودیش باید رای گرفته شود. پیشنهاد آقای دکتر طاهری مطرح شده بود مذاکرات هم بعمل آمد حالا باید رای گرفته شود....

آقای سید یعقوب - قبل از دستور بنده عرض داشتم رئیس - وارد دستور شدیم. پیشنهاد آقای طاهری قرائت میشود و رای میگیریم.

(بمضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد می‌کنم بجای اشخاص معتبر نوشته شود اشخاصیکه نزد بانک اعتبار دارند.

رئیس - عقیده آقای مخبر چیست؟

فهیمی (مخبر کمیسیون) - این پیشنهادشان گویا قبلاً خوانده شد و عبارت اصلاح شد باین ترتیب که اشخاصی که اعتبارشان نزد بانک مسلم باشد دیگر این پیشنهاد مورد نخواهد داشت

رئیس - (خطاب بمخبر) شما اینطور بیان کردید ولی آقای پیشنهاد کننده را تکلیفش را معلوم نکردید

بعضی از نمایندگان - پس میگیرند
رئیس - آقای دکتر طاهری، مسترد میدارید؟

دکتر طاهری - با این ترتیبی که قبول کردند که

اعتبارشان نزد بانک مسلم باشد بنده پس میگیرم -

رئیس - پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب قرائت میشود. (بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد می‌کنم از کلمه «مشروط» تا کلمه «نظامنامه»

حذف شود و در عوض نوشته شود «قرض دادن مطابق نظامنامه تعیین خواهد شد»

آقا سید یعقوب - استدعا میکنم آقای رئیس فرمایند «خارج از موضوع است» عرض بنده این بود که آقایان وزراء بیابند در برگرام مذاکره کنیم. رأی مجلس اهمیت دارد و نباید ول کنند و بروند این هم مبارک است در اینجا يك عبارتی نوشته شده است این روز هم آقای شیرازی يك بیانی کردند که حقیقت بنده را متوجه کردند. يك بانک اینجا تاسیس شد بعد آمد آن بانک اولی که بانک روس بود بانک ایران شد و بيك زبیبانی روح بانک را از پسین بردند. اینجا نوشته شده است «بمعنای ضامن معتبر» بنده نظرم این است که این عبارتها بر داشته شود و در قانون این عبارتها نباشد که پس فردا در عرض یکسال اگر خدای تعالی خواست ما موفق شدیم بتأسیس يك بانک بمعنای ضامن معتبر بیابند اصل بانک را بکلی از بین ببرند. این بود که بنده عبارت ضامن معتبر را از بین برداشتم که وزارت مالیه ملتفت نظربان مجلس شورای ملی باشد و نظامنامه را طوری بنویسد که سرمایه بانک از بین نرود و چون هر چه پیشنهاد شد قبول نشد بنده این طور پیشنهاد کردم برای اینکه دست وزارت مالیه باز نباشد و ملاحظه کند و نظامنامه را طوری بنویسد که سرمایه بانک محفوظ باشد و از منافعش مملکت استفاده کند این بود که بنده این پیشنهاد را کردم.

رئیس - آقای شیروانی عضو کمیسیون هستند
شیروانی - خیر بنده در ماده اجازه خواسته بودم

رئیس - آقای خواجوی

میرزا صادقخان (خواجوی) - این پیشنهادی

که آقای آقا سید یعقوب فرموده اند البته پیشنهاد صحیحی است ولی درین مورد نمیتوان مذاکره و بحث کرد بجهت اینکه طبیعی است راجع بمعاملات بانک تا درجه اساسیات

آن را مجلس شورای ملی باید رای بدهد و مطالب جزئی در نظامنامه باید ذکر شود و اگر بجواییم عبارت «شرایط قبول و دپیه بارهن و دادن وجه در نظامنامه معین خواهد شد» حذف شود بانک بجهت وسیله باید معاملات بکنند؟ اجازه که مجلس شورای ملی بیانک میدهد بجهت قییم است؟ يك اجازه عام سر بسته یا میدهد که هر کس که میل داشته باشد بهر نحو از انحاء که بخواهد قرض بدهد یعنی بدون رهن، یعنی بدون ملك کرو گرفتن یا بدون ضمانتهای معتبره ببدون آکسیونهای شرکت هر قسمی را که مقرر میکنند برای تأمین امور بانک ازین ماده حذف میشود. این چه حال پیدا خواهد کرد؟ همان قسمی که بعضیها دقت کردند بواسطه این اسمی که ذکر شده است نباید سرمایه بانک حیث و میل شود و عقیده کمیسیون این است که بخوبی حفاظت دارائی و پول بانک بشود یعنی اگر کسی پولی بخواهد طبیعی است ملك کرو میدهد، مال التجاره خودش را می سپارد، یا آکسیون يك شرکتی را که دارد میدهد، این ترتیب دارائی بانک را محفوظ میدارد. اما این نحوه که آقا پیشنهاد فرموده اند دارائی بانک هیچ تضمینی در مقابلش نیست. چون بنظر بانک و يك نظامنامه است که بعد باید نوشته شود و کمیسیون این را نمیتواند قبول کند

رئیس - آقای مخبر چه میفرمایند؟

مخبر - بسته است بنظر مجلس، توضیحات را دادند.

رئیس - رای گرفته میشود بقابل توجه بودن

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب آقایانی که قبول میکنند قیام فرمایند.

(معدودی برخاستند)

رئیس - تصویب نشد، پیشنهاد آقای امین قرائت میشود

(بمضمون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده (۵) باین قسم نوشته شود: بانگ مجاز است و دایع نقدی مدت دار و جاری قبول

کند و باستثناء مواردی که در ماده (۶) ممنوع گشته پول قرض بدهد مشروط بر اینکه قروض مزبور بوسیله اموال منقول یا غیر منقولی که به ثبت اسناد رسیده باشد یا باامضاء دو نفر اشخاص معتبری که اعتبار آنها در بانک مسلم باشد تضمین گردد، شرایط قبول ودایع و دادن وجه در نظامنامه معین خواهد شد

رئیس - آقای امین

حاجی میرزا حبیب الله (امین) - مقصود بنده از این پیشنهاد راجع باعتبار شخص گیرنده وجه در بانک است چون در جلسات قبل در آن موقع هم درین جا صحبت شد که خود بانک البته يك اعتبارانی برای اشخاص همیشه در نظر میگیرد و محتاج باین نیست که در هر موقع که بخواهند قرض بدهند سؤالات و تفتیشاتی بکنند در دفاتر بانک اعتبارات اشخاص محفوظ است باین جهت بیشتر نظر بنده از این پیشنهاد این است که اشخاصی که نزد بانک اعتبار دارند امضاء همانها معتبر باشد.

رئیس - آقای خواجوی

خواجوی - این پیشنهاد تصور میکنم خیلی خوب پیشنهادی است و لیکن آقای وزیر مالیه اینجا تشریف دارند باید به بینیم که بودجه ثبت اسناد را که قریب بیست هزار تومان است قبول میکنند که ثبت اسناد در مملکت اجباری باشد یا خیر؟ و الا بانک تاسیس شود و ثبت اسناد نباشد معاملات بانک چه حالی خواهد داشت؟ در صورتیکه وزارت مالیه که الان وزیرش در مجلس تشریف دارند قبول بفرمایند که بودجه ثبت اسناد را بیاورند بمجلس و ثبت اسناد در مملکت دائر شود این پیشنهاد بسیار خوبست و الا چطور ممکن است که قانون بگذرد و بانک تاسیس شود و معاملات نتواند بکند؟ چون املاک به ثبت رسیده است. طبیعی است باید بودجه ثبت اسناد را مجلس تصویب کند و بعد آنرا در جزء قانون بگنجاند و الا این پیشنهاد بسیار خوبست.

رئیس: آقای مخبر

مخبر: بنده استدعا میکنم ماده پنجم را با این پیشنهادات ارجاع فرمایید بکمیسیون. چون این قبیل مسائل زیاد است و باید اصلاح شود و استدعا میکنم سه ماده اولیه را که بکمیسیون فرستاده شده و از طرف کمیسیون راپرت داده شده است مطرح فرمایید

رئیس: این پیشنهاد و ماده بر حسب تقاضای آقای مخبر ارجاع میشود بکمیسیون. سایر پیشنهادهای ما را هم مجلس موافق هست ارجاع شود بکمیسیون؟

بعضی از نمایندگان: بلی مانعی ندارد

رئیس: ارجاع میشود. ماده اول قرائت میشود (مضمون ذیل قرائت شد)

ماده اول: دولت مکلف است برای پیشرفت امر تجارت و فلاح و زراعت و صناعت بانکی موسوم ببانک ملی ایران تأسیس نماید که مرکزش در طهران شعب آن متدرجاً در ایالات و ولایات و ممالک خارجه دائر خواهد شد.

رئیس: آقای فرمند

فرمند: مخالفت بنده با این ماده در خصوص لغت تجارت است که در اینجا ذکر شده مقدمه عرض میکنم در مملکت ما لغت تجارت معنای حقیقی که دارد يك اندازه از کاسته شده است در واقع دلالتی جنبه تجارت را در مملکت ما دارد. بدبختانه چون مصنوعات مملکت ما کم است این دلالتی هم زیاد تر متوجه امتعه خارجی است این بانک از روز اولیکه در افکار عامه گذاشته شد برای پیشرفت اقتصاد مملکت ما بود و این پیشرفت اقتصادیات که ما از اول مجلس تا بحال صحبتش را میکنیم از دو بجزی ممکن است حاصل بشود یا از راه فلاح یا از راه صنعت و تجارت در چه سوم واقع خواهد شد بعقیده بنده پیشرفت اقتصادیات در این مملکت اول از راه فلاح است زیرا مملکت ما فلاحی است و استعداد آنرا هم داریم که فلاح

دیگر که میشود قرض بدهند یا قرض بکنند برای چیست؟ برای این است که سرمایه خود را بانک بمعرض تجارت بگذارد و از پول فایده ببرد. بانک مؤسسه ایست که وجوه دولت و وجوه افراد باید در آنجا تمرکز پیدا کند و در آنجا بکار بیفتد پس بانک مرکز تجارت است. شیروانی: و صرافی

مخبر: صرافی هم مشمول همین جمله است یعنی يك شعبه از تجارت است. برای فلاح هم اگر میخواهند يك کنند باید البته بانک بعنوان تجارت باز پول بدهد یا شخصاً یا امور فلاح تکمیل شود و باید بوسیله عمل تجارت یعنی پول قرض دادن و منفعت دادن و منفعت گرفتن فلاح را تکمیل کند. بنا بر این خواهشمندم آقای فرمند هم مخالفت خودشان را با این ماده مسترد دارند جمعی از نمایندگان: مذاکرات کافی است

آقا سید یعقوب: بنده مخالفم با کفایت مذاکرات

رئیس: بفرمایید

آقا سید یعقوب: رای اینکه توجه آقایان را

بدهم باین عبارت عرض میکنم در اینجا نوشته شده است (که شعب او در داخله و خارجه) بنده چون مخالف هستم با شعب خارجه تقاضا میکنم مجلس اجازه بدهد این عرض کنم: ما همیشه بقدری کار را بزرگ میکنیم که از عهده اش بر نمیآئیم فعلاً کار را در داخله بکنید بعد اگر خدا وسعت وقوت داد در خارجه هم تأسیس میکنیم. خواستم در این باب مفصل عرض کنم که مجلس را متوجه کنم بضروری که دارد. این بود مخالفت من. اگر مجلس بکفایت مذاکرات رای نداد بنده مفصلاً بیاناتی دارم عرض میکنم.

مخبر: عرض میشود که در شور اول هم اگر نظر آقایان باشد در خبر کمیسیون (شعب خارجه) نبود پیشنهادهای شد و قابل توجه شد و کمیسیون هم باینکه این لفظ باشد مخالفتی نکرد ولی این لفظ هم الزامی نمیکند که

ما اگر این کلمه را نوشتیم فوراً مجبور شویم مبلغ کلی سرمایه بگذاریم که شعبه اش هم در خارج باشد. دست دولت باز خواهد بود و اگر لازم شد در خارج شعبی باز و ایجاد کند اینکار را میکنند و اگر لازم نبود با بانکهای دیگر يك قرارداد هائی میکنند و در هر صورت ضرری نخواهد داشت و خواست آقای آقا سید یعقوب هم مخالفت خودشان را پس بگیرند.

رئیس: رأی گرفته میشود بکفایت مذاکرات. آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام بفرمایند (اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس: اکثریت است. پیشنهاد آقای فرمند (شرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم از ماده اول لغت تجارت حذف شود. فرمند

رئیس: توضیحی دارید؟

فرمند: بلی

رئیس: بفرمایید

فرمند: عرایضی که بنده کردم آقای مخبر درست توجه فرمودند این است که عرایض را مختصراً دوباره بعرضشان میبرسم. يك بانگی که ده پانزده ملیون زیاد تر سرمایه نخواهد داشت و ما مقصود مان زیاد تر از تأسیس این بانک این است که از این بانک يك رقیبانی در فلاح و صنعت مملکت فراهم شود از این نقطه نظر ما توجهتان بدو باید باین دو اصل باشد. بعد مسئله تجارت و جریان راجع بمعامله ایران و ممالک دیگر. و چون بنده معتقدم که ما بآن دو قسم اولی اهمیت باید بدهیم و این قوه را قسمت میکنیم بسه عمل این است که بنده این تقاضا را کردم و این عرایض را کردم و الا البته بنده میدانم بعد از آنکه محصولات مصنوعاتی فراهم شد اینها باید بموقع تجارت گذاشته شود. البته بنده این را میفهمم اما نقطه نظر بنده این بود که عملیاتی که

از این بانک نانی خواهد شد قسمت اول تمام باید مربوط به تولید محصول و صنعت باشد مقصود بنده این بود.

رئیس - آقای مخبر

مخبر - کجا می‌کنم هنوز این باشد که زود ز رأی گرفته شود که وقت مجلس تلف نشود

رئیس - رأی گرفته میشود بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای فرمند. آقایانیکه قابل توجه می دانند قیام فرمایند.

(عده قلیبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

(مضمون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم (خارجی) حذف گردد.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - چون ماده درست در نظرم نبود یعنی لایحه اش را نداشتم این بود که کله شعبه را در پیشنهاد عرض نکردم. خواستم نمایندگان توجه بفرمایند بنده توجه میدهم نمایندگان محترم را بیک موضوعی که در بیست سال بدست و دو سال قبل از این در ایران پیش آمده است تجربیات سابق ما بیک درسی میدهد. شرکت عمومی در ایران تشکیل شد ولی از اول وقتی شروع کردند به بسط و توسعه چون ما قوه نداشتیم فوراً شعبه او را در داخله و خارج بسط دادیم و از عهده بریامدیم. بنده معتقدم که نسبت به شرکت عمومی کسی خیانت نکرد لکن بواسطه بسط دادن و زیاده از اندازه در داخله و خارج نماینده روانه کردن بکدفه بیک مخارج زیادی پیدا کرد که شرکت عمومی بان روز افتاد و همین جور هرکار اساسی که عام المنفعه است از اول ما این را بقدری وسعت میدهیم که بعد در او گیر میکنیم. بنده عرض میکنم این اول قدمی است که ملت ایران میخواهد بر دارد که برای سعادت و ترقی خودش تأسیس بانک بکند مثلاً بنده عقیده ام این بود که اول در طهران درست

پیدا کند و بتواند برات بخرد و برات بفروشد یعنی از یک ظرف بعهده بانکهای خارجه و از آنطرف بعهده بانک ایران خرید و فروش برات بشود و بانک ایران بواسطه باز کردن اعتبار با سایر بانکها ارتباط پیدا کند و مهم بشود پس در اینصورت دولت ملزم نیست که فوراً شعب آرا در ممالک خارجه تأسیس کند

رئیس - آقای مخبر

مخبر - بسته بنظر مجلس است -

رئیس - رأی میکنیم بقابل توجه بودن پیشنهاد

آقای آقا سید یعقوب. آقایان موافقین قیام فرمایند.

(چند نفری برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد. ماده دوم قرائت میشود

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده دوم - سرمایه اصلی بانک پانزده میلیون تومان خواهد بود و محل آن وجوه حاصله از فروش جواهرات دولتی و خالصجات است که لواج هر یک علیحده تقدیم مجلس شورای ملی شده است

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - کجا می‌کنم که بنده کسی نباشم که تأسیس بانک را منکر باشم زیرا بکسور میگویند چه میخواهی؟ میگوید دو چشم بینا. اما اینجا تعیین کرده است که سرمایه این بانک از چند چیز است: از فروش خالصجات و جواهرات و بنده مخالف هستم با فروش خالصجات. برای اینکه همینقدر که یک نغمه بلند شد دیدیم بلافاصله یک سبمهای خار داری دور خالصجات تنیده شد و یک نغمه هائی بلند شد. بنده که بکنفر عضو کمیسیون بودجه بودم حقیقتاً خیلی از این مسئله متأثر شدم. زیرا دیدیم عوض اینکه ما یک چیزی گیرمان بیاید ضرر هم خواهیم کرد چنانچه آقایان هم مستحضرند و کجا می‌کنم باید قدری این مسئله را ناخیر ابداخت و از بین برد چون بنده آنوقت که این مسئله

مطرح شد جدا مخالف بودم. و یکی هم راجع بجواهرات بنده در کمیسیون بودجه هم مخالف بودم و با آقای شیروانی هم دعوایم شد و نسبت باین هم مخالف بودم در اینجا سرمایه بانک را معین کرده است از فروش خالصجات و جواهرات. این فرع بر این است که بنده با فروش خالصجات و جواهرات موافق باشم. بنده در هر دو قسمت مخالفم مگر اینکه دولت سرمایه بانک را از محل دیگری معین کند تا بنده موافقت کنم. مسئله فروش جواهرات و خالصجات اصلاعنوانش از بین رفته است باز دو مرتبه کمیسیون قوانین مالیه آمده و این را در این ماده ذکر کرده است از این جهت بنده جدا مخالفم.

مخبر - اینکه آقای آقا سید یعقوب فرمودند که

ایشان مخالفند با فروش خالصجات و جواهرات ممکن است تا آخر لایحه هم ایشان مخالف باشند ولی قسمت اول که راجع بخالصجات است لایحه آن مطرح شده است و مجلس هم موافقت کرده است با فروش خالصجات منتها در مواد یک اختلاف نظری است که متدرجاً اصلاح خواهد شد. اما راجع ببانک. بانک یک سرمایه اصلی برایش معین شده است که از محل فروش خالصجات و جواهرات تأمین میشود ولی نظر این نبود که تا وقتی وجه این دو محل بدست نیاید بانک تأسیس نشود. بانک یک مؤسسه ایست تجارنی که از معاملات خودش روز بروز تقویت خواهد شد. برای سرمایه ابتدائی بانک در ماده بعد که ملاحظه میکنید مبلغ پنج میلیون تومان از محلهای معین تخصیص داده شده است که بانک مزبور شروع بکار کند و ممکن است تا موقعی که این پنج میلیون تومان را بانک بجزریان بیندازد و مصرف کند مبلغ کلی هم از سایر منابع که معین شده است میرسد. وجوه خالصجات و جواهرات در واقع یک اعتباری است برای بانک و در موقع شروع بکار لازم نیست بانک حتماً پانزده میلیون تومان وجه نقد در صندوق خودش بگذارد تا بتواند داخل معاملات صرفی و داد و ستد شود. پنج میلیون تومان از یک محل معینی

از فروش این محل حاصل میشود بمصرف بانک خواهد رسید و الا يك محلی را كه هنوز اجازه نكرفته اند و بفروش رسیده است و معلوم هم نیست كه عواید حاصله از این محل بازده میلیون خواهد بود یا بیست میلیون یا سی میلیون یا ده میلیون و كم و زیادش هنوز معلوم نیست اگر بخواهید در ضمن يك ماده در دو جمله تصویب كنید تصور نمیکنم کافی باشد.

وزیر مالیه - تصور میکنم اظهارات آقای عدل نماینده محترم مطلب را روی نزاع لفظی میبرد برای اینکه همانطور كه آقای مخبر توضیح دادند دو لایحه از طرف دولت تقدیم مجلس شده و یکی از آن دو لایحه هم در مجلس مطرح است و هیچ مانعی از برای این نیست كه از جوهی كه از این دو لایحه یعنی فروش خالصجات و جواهرات تحصیل خواهد شد قبلاً پیش بینی يك محلی هم برایش بشود.

حالا فرض میکنیم كه مجلس موافقت نكرد و لایحه فروش خالصجات و جواهرات تصویب نشد باید دید آیا بانك بواسطه عدم تصویب این دو لایحه از بین میرود؟

خیر. از بین نخواهد رفت آنوقت ناچار مجلس ودولتی كه علاقه مندند این مؤسسه ملی در این مملكت ایجاد شود باید يك محل دیگری، يك منبع دیگری، برای سرمایه بانك مجدداً تهیه نمایند و در نظر بگیرند و بمجلس بیاورند حالا آقای عدل میفرمایند كه این مسئله معكوس واقع شود یعنی بعد از آن كه آن لوائح تصویب شد این مسئله گفته شود، در هر حال چندان تفاوتی نخواهد داشت و باز عرض میکنم این نزاع نزاع لفظی است (نظربنده) فعلاً چیزی كه اساسی است این است كه تاسیس این بانك را دولت نخواسته است متوقف بگذارد تا موقع حصول آنجوه بنا بر این ماده سه بترتیبی كه پیش بینی شده است این بانك بفوریت پس از تصویب لایحه دار میشود و عملیات خودش را شروع میکنند و اگر بعد لایحه فروش جواهرات و خالصجات در مجلس تكلیفش معین نشد یعنی مجلس عقیده دیگری در آن مخصوص داشت آنوقت

مجلس اجازه میدهد كه دولت ببانك قرض بدهد برای اینکه بتواند داخل عملیات مقدماتی بشود تا وقتی وجوهی كه از محل های دیگر برای بانك منظور شده است برسد. حالا نظر اصلی راجع بانك آباء فروش خالصجات با جواهرات صلاح است یا نیست؟ آن موردی است علیحده يك قسمت كه راجع بفروش خالصجات است مجلس تصویب کرده است و راجع بفروش جواهرات هم اگر يك راه صحیح مطمئنی در نظر برسد و مجلس مطمئن شود كه بمصرف خواهد رسید البته موافقت خواهد كرد زیرا هیچكس تصدیق نمیکند كه يك جواهراتی كه فرضاً خیلی هم قیمتی باشد در يك گوشه افتاده باشد و مملكت بحال فقر و فاقه باشد و فائده بر آن مترتب نباشد آن جواهر با آن سنگی كه در بیابان افتاده است چه فرقی دارد؟ پس فائده اش وقتی است كه بمصرف برسد.

رئیس - آقای عدل

عدل - عرض میشود بنده بانك كاملاً موفقم و با اینکه سرمایه بانك هم از فروش خالصجات و جواهرات باشد شاید مخالف نباشم ولی با تنظیم ایماده مخالفم و علتش هم این است كه يك قانونی كه هنوز از مجلس نگذشته است (اگر چه آقای مخبر میفرمایند كه فروش خالصجات را مجلس اجازه داده است) در صورتیکه قانون فروش خالصجات و جواهرات هیچكدام از مجلس نگذشته است يك چیزی كه پا در هواست و معلوم نیست كه مجلس اینرا اجازه خواهد داد یا نه؟ ما این مسئله را در ضمن يك ماده بخواهیم تصویب كنیم بدون اینکه تعمقی در اطرافش شده باشد بنده معتقد نیستم و عقیده ام این است كه بانك تاسیس بشود ولی يك موضوعی كه هنوز اجازه آن از مجلس گرفته نشده است نمی شود سرمایه برای بانك فرار داد بنده عقیده ام این است كه باید نوشت سرمایه اصلی بانك بازده میلیون تومان خواهد بود ولی محل آنرا نباید اسم برد وقتی قانون فروش خالصجات و جواهرات بمجلس آمد عیب ندارد كه ذكر كنیم وجوهی كه

دولت برای تکمیل سرمایه بانك لابد لوائح دیگری تهیه نموده و بنظر مجلس شورای ملی خواهد رساند یا بنملاحظه بنده تصور نمیکنم كه مشاجره در این قسمت مفید فایده باشد و بهتر این است لایحه بترتیبی كه تنظیم شده بگذرد.

رئیس - آقای بامداد

میرزا محمد علیخان بامداد - مسئله فروش خالصجات در کمیسیون بودجه خیلی طرف توجه و دقت شد و بالاخره در کمیسیون اکثریت با آلهائی بود كه مسكوت عنه ماند و تصور نمیکنم در مجلس هم

شیروانی - فروش جواهرات نه خالصجات

بامداد - بلی به بخشید فروش جواهرات در مجلس هم تصور نمیکنم اکثریت نمایندگان محترم حاضر بشوند برای فروش جواهرات این يك امر مهمی است تمام مالك دنیا لابد بقدر ما مقتصد بوده اند و محاسب بوده اند و در سخت ترین مواقعی كه برای آنها پیش آمده مثلاً در موقع جنگ بین الملل كه آنقدر دول مهم دنیا محتاج بیول بودند جواهراتشان را نفروختند حالا نمیدانم چطور شده است كه ما این میانه اینقدر مقتصد و محاسب شده ایم كه يك بخوایم بدردمان میخورد حالا بیائیم و آنها را بفروشیم حتی دولت روسیه هم كه يك وضعیت مستثنائی در دنیا دارد این اقدام را نكرد و جواهراتش را نفروخت. حالا ما بیائیم و جواهراتمان را بفروشیم بعقیده بنده صحیح نیست بنده عقیده ام این است كه فروش جواهرات برای تهیه سرمایه بانك مستثنی شود. ممكن است ما عین جواهرات را بدهیم ببانك و اعتبار بانك قرار دهیم نه اینکه عین آنها را بفروشیم و پولش را اعتبار قرار بدهیم. هیچ مانعی ندارد كه يك پولی برای سرمایه ابتدائی بانك تهیه شود كه راه بیفتد و پس از راه افتادن ما عین جواهرات را بدهیم ببانك كه يك اعتباری برایش باشد.

وزیر معارف - فروش خالصجات در مرحله اولی

تصور میکنم یکی از موضوعاتی باشد كه خیلی ها بان معتقد باشند كه هر چه زودتر باید عملی بشود. ولی يك عیب یا يك حسن. اما بنظر بنده عیب در ماها هست و آن این است كه ما در هر اقدامی كه میخواهیم بكنیم اولاً در عالم خیال يك اشكالاتی فرض میکنیم بعد در عالم خیال آن اشكالات را رفع میکنیم در صورتی كه موقع عمل كه میرسد می بینیم اغلب آن اشكالات فرضی و خیالی ما صورت خارجی پیدا نكرد بر عكس يك اشكالات دیگری كه هیچ تصور نشده بود پیدا شد. ثانیاً بعضی آنكه در موقع عمل دچار مشكلاتی شدیم عوض اینکه آن مشكلات را رفع كنیم و بمقصد برسیم از اصل موضوع صرف نظر میکنیم این يك خصیصه ایست كه در شرق هست و خیال میکنم مالك شرقی و ملی كه در آن هستند دارای این خصیصه هستند بر عكس سایر جاها كه آنها در موقعی كه نصادف با يك اشكالاتی میکنند فرار نمیکنند. صرف نظر نمیکنند. بلکه جانشانها میکنند مقاومت میکنند برای رفع آن محذور و مشكل تا بمقصد برسند. آقای آقا سید یعقوب اظهار کردند كه بلی در موقع فروش خالصجات دیدیم كه يك سیمهای خار دار و بی خار در اطراف کشیده شد بنا بر این زد يك نباید رفت اگر اینطور باشد در موقع اجرای هر قانونی مخصوصاً این قبیل قوانین مهمه طبعاً يك جور سیمها یا حائلها یا سدهائی ایجاد میشود بنا بر این ما باید پشت آن دیوار بمانیم. ولی اینطور نیست هنر در این است كه آن سیمهای خار دار را پاره كنیم. عوض اینکه از اینطرف سه قدم بعقب مارش كنیم از آنطرف سه قدم بجلو مارش كنیم و الا همیشه این محظورات هست این افكار هست. بنا بر این ما باید همیشه عقب بمانیم كه مبدا يك چیز هائی پیدا بشود. بنده معتقدم پس از آنكه بطور کلی و علی الاصول تصدیق شد كه فروش خالصجات نافع است باید بالاتفاق صرف هم كرد برای رفع مانع. این مال خالصجات اما جواهرات. آقای بامداد اظهار کردند جواهرات مایه

امید است جواهرات برای روز مباداست. اینجا خیال میکنم اشتباهی شده است بین جواهرات سلطنتی و دولتی جواهرات بر دو قسم است. جواهرات سلطنتی و جواهرات دولتی. يك جواهراتی هست كه جزء انايه تشریفات سلطنتی است. اینها همانهایی است که در روز ناجگذاری اغلب آقایان که بودند دیدند. يك قسمت چیزهایی است نشانها و جواهراتی است که مخصوص پادشاه وقت است از قبیل نشانها و نیروکان و سپر و کرز و این چیزها اینها انايه سلطنتی است که همیشه باید محفوظ باشد و هیچوجه من الوجوه کسی معتقد نیست باین که این انايه و جواهرات مخصوص سلطنتی که جزو تشریفات سلطنت است فروخته شود ولی جواهراتی که مقصود فروش آنها است آنها نکلی غیر از اینهایی است که عرض شد. اینها جواهراتی است که در تاریخ ادوار گذشته ایران در خزانه دولتی جمع آوری شده است و اگر مدتی دیگر بماند يك قسمش ممکن است فاسد و خراب بشود. اینها زیادی است بنا بر این هرچه زودتر اینها تبدیل به پول بشود و از آن پول مملکت استفاده کنند البته بهتر است. و اگر شما تصور میکنید در روز مبادائی این جواهرات بدرد ما خواهد خورد خیال میکنم اینطور نیست اولاً امروز خودش روز مباداست چون امروز مملکت ایران احتیاج دارد بیانك و بانك هم پول میخواهد. ثانیاً اگر تصور میکنید در يك موقع جنگی یا يك روز سختی دولت ایران بخواهد و مجلس هم تصویب بکنند که فروخته شود گمان میکنم نتیجه مطلوبه را ندهد چون فروش جواهرات باید سر فرصت باشد نه در موقع اضطرار که نیمه بهاز ما بخواهند بخرند و آنوقت آن نتیجه را هم ندهد بنا بر این بنده معتقدم در اصول که آقایان موافقت در جزئیات دیگر اینقدر بحث نکنند. در این ماده چنانچه مذاکره شد این بطور اعتبار است مثل سایر اعتباراتی که در ضمن لوایح بدولت میدهند و میگویند عوائد فلان قسمت از بابت سنه آتی باید صرف فلان مصرف بشود، خوب

اگر آن عوائد حاصل نشد چه باید کرد؟ البته باید عوائد دیگری فکر کرد. حالا این دو لایحه را جمع بفروش خالصجات و جواهرات هم اگر در مجلس تصویب شد نعم المطلوب اگر تصویب نشد دولت لایحه دیگری تهیه میکنند و می آورد تقدیم مجلس میکنند و میگوید آقا این محل زمین فرو رفت و يك محل دیگری تهیه شده است بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - مذاکرات را آقایان کافی میدانند؟

(گفتند بلی کافی است)

رئیس - پیشنهاد ها قرائت میشود. پیشنهاد آقای یاسائی

(این قسم خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم عبارت (که لوایح هر يك علیحده تقدیم مجلس شورای ملی شده است) بنحو ذیل اصلاح شود: (که بموجب قانون مخصوص بفروش خواهد رسید)

یاسائی - این اصلاح عبارتی بنظر بنده مفید است زیرا تقدیم لوایح تنها کافی نیست. باید لوایح قانون بشود و ما نمیخواهیم فقط در اینجا خبر بدهیم که لوایحش آمده است بمجلس (بعضی از نمایندگان - صحیح است) بلکه مقصود قانون آن ها است که بتصویب مجلس میرسد این بود که این عبارت را بنده پیشنهاد کردم.

مخبر - این عبارت صحیح است و بنده قبول میکنم.

رئیس - پیشنهاد آقای محمد ولی میرزا.

(بترتیب آتی قرائت شد)

سرمایه اصلی بانك پانزده میلیون تومان خواهد بود در صورت تصویب فروش خالصجات و جواهرات وجه حاصله تشکیل این سرمایه را خواهد داد والا در مدت پنجسال هر سالی سه میلیون تومان از بودجه عادی این سرمایه را تشکیل میدهد.

محمد ولی میرزا - بنده در این قسمت با تصدیق بیاناتی که آقای وزیر معارف فرمودند مخصوصاً در قسمت فروش جواهرات کاملاً نظر موافق دارم ولی در قسمت خالصه

صراحتی دارم که اگر بعد فرصت بدست آمد عرض خواهم کرد اما ابرادی را که بعضی از آقایان اساساً در اینجا اظهار داشتند وارد است و نمی توان قائل شد و بمجرد اینکه يك لوایحی تقدیم مجلس شده است این تنها کافی نخواهد بود که تعیین يك محلی را برای يك بانكی بنماید بطوریکه اینجا ملاحظه میشود این بازده میلیون کاملاً بانكاء تصدیق و تصویب این دو فقره لایحه قرارداد شده است و برای تاسیس بانك این اعتبار فقط کافی نیست. البته این لوایح بجای خودش هست اگر در مجلس تصویب شد و پولی مهیا شد میرود در خزانه بانك و تشکیل يك سرمایه را میدهد. آمدیم و نشد و مجلس موافقت نکرد و تصویب نشد یا باین طریق بتصویب مجلس رسید آنوقت تشکیل سرمایه بانك را آقایان موکول میکنند ببعد که يك محلی تهیه و تقدیم مجلس نمایند. در هر صورت بانك محتاج بیول است. چه ضرر دارد که از حالا قبول بفرمایند که چنانچه این دو پیشنهاد و این دو عایدی بتصویب مجلس رسید از بودجه عادی مملکت در ظرف پنجسال هر سالی سه میلیون برای تهیه سرمایه بانك تخصیص بدهند که محل سرمایه بانك باشد و از حالا وزارت مالیه در بودجه هر ساله پیش بینی نماید یا با وضع مالیاتهای جدید و یا اصلاح بعضی تعرفه ها این وجه را تهیه کرده و جزو بودجه مملکتی بیاورند که سرمایه این بانك حقیقه تهیه بشود و معطل نماند

مخبر - بنده گمان میکنم با توضیحاتی که داده شد مخصوصاً با بیانات آقای وزیر مالیه و آقای وزیر معارف دیگر پیشنهاد آقای محمد ولی میرزا مورد نداشته باشد چون خودشان تصدیق میفرمایند محلی را که ایشان تخصیص داده اند خیلی موهوم تر است از محل فروش خالصجات و جواهرات و جمله اخیر پیشنهاد ایشان با وجود ماده سوم هیچ لازم نیست زیرا اگر ماده سوم را ملاحظه بفرمایند نا اندازه نظریه ایشان نامین شده است و در آنجا پیش بینی شده که از عوائد جاری مملکت نا وقتی

شیروانی - صحیح است

رئیس - آقای افشار

افشار - عرض کنم که همانطور که آقای مخبر بیان فرمودند فعلاً ما يك منابعی داریم که لوایح آنها هم آمده است بمجلس و احتمال قوی دارد که مجلس هم با آنها موافقت کند یعنی با فروش جواهرات و خالصجات بملاوه از اضافه عایدات مملکت هم مبلغی تخصیص داده شده برای تاسیس بانك و ایجاد سرمایه آن ولی پیشنهادی که حضرت والا فرمودند یا ما باید از نقطه نظر تهیه برای سرمایه بانك از مخارج بکاهیم یا مالیات جدیدی وضع کنیم تا بتوانیم سالی سه میلیون برای سرمایه بانك بدهیم فعلاً هم عایدی مملکت اینقدر زیاد نیست و شاید تصور کرده اند که وضعیات مالی مملکت هم مثل عایدات خود حضرت والا است که سالی سه میلیون عایدی بسرمایه بانك بیفزائیم

رئیس - رأی گرفته میشود باین پیشنهاد. آقایان که

قابل توجهش میدانند قیام فرمایند

(عده کمی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای عدل

(بشرح ذیل قرائت شد)

در ماده دوم حذف جمله (و محل آن از وجوه حاصله) الی آخر را پیشنهاد میکنم

عدل - عرض میشود که فرمایشات آقای وزیر مالیه

بنده را قانع نکرد و اینکه فرمودند مشاجره لفظی است خودشان شاهدند که بنده مشاجره لفظی نمیکم و شہوت حرف زدن هم ندارم غیر از اینکه بنده اینجا ملاحظه میکنم که ما داریم يك قانونی اینجا میگذرانیم که باب

سه قانون را بر روی آب میگذاریم. شاید یکی از این سه قانون عملی نشد یعنی مابک قانون را داریم مربوط میکنیم بعد قانون دیگری که هنوز از تصویب مجلس شورای ملی نگذشته است و شاید آن دو قانون از مجلس نگذرد بنا بر این این قانون هم مهمل خواهد ماند این است که بنده تقاضا کردم قسمت (و محل آن از وجوه حاصله تا آخر ماده) حذف شود بعلاوه استدعا میکنم آقای مخبر التفات فرمایند. بنده عقیده دارم که این دو ماده یکی بشود باین شکل که نوشته شود: سرمایه اصلی بانک پانزده میلیون تومان خواهد بود برای اینکه سرمایه ابتدائی جهت شروع بکارهای بانک تهیه شود دولت مجاز است از وجوه و دایع خود (باستثنای وجوه انحصار قند و چای) مبلغی که بیش از پنج میلیون تومان نباشد بعنوان مساعده ببانک بپردازد و اضافه عایدات سنوات ۱۳۰۴ و ۱۳۰۵ و ۱۳۰۶ را از بابت نادیه مساعده مزبوره محسوب دارد بعلاوه از ۱۳۰۷ تا موقعی که تنمّه پنج میلیون تومان فوق پرداخت شود هر ساله مبلغی که بیش از هالصد هزار تومان نباشد در جزء بودجه مخارج مملکتی پیش بینی و از بابت قرض بانک بجزانه محسوب خواهد داشت و در صورتیکه قانون فروش خالصجات و جواهرات از مجلس گذشت محل آن وجوه حاصله از بانک خواهد بود بک چنین چیزی باید نوشته شود والا بک چیزی را که هنوز قانوائش از مجلس نگذشته است آوردن و اینجا نوشتن غیر از اینکه اسباب اشکال شود فایده دیگری ندارد و تصور میکنم اگر خودتای هم بک قدری توجه فرمائید تصدیق میکنید که بک چیزی که هنوز از مجلس نگذشته چطور شما اورا ثابت میکنید عرض بنده این بود وزیر مالیه - در قسمت اول فرمایشات ایشان بنده عرض کردم که بنظر بنده مطلب نزاع لفظی میآید (نه مشاجره) مشاجره عرض نکردم ولی حالا مجبورم که عرض کنم بنظر بنده موضوع تقدیم و تأخیر میآید و تقدیم و تأخیر نمیدانم در اصل موضوع چه تعبیری میدهد

وجه تأخیری دارد؟ ماده اینطور نوشته شده است که: سرمایه اصلی بانک پانزده میلیون تومان خواهد بود. از این قسمت ماده اینطور استفاده میشود که سرمایه بانک را پانزده میلیون تومان معین کرده اند بعد محل آنرا معین کرده و مینویسد: و محل آن وجوه حاصله از فروش خالصه و فلان محل است. این هم محل برای پانزده میلیون است یعنی در قسمت دوم ماده دوم تعیین محل پانزده میلیون سرمایه شده است. در ماده سه هم سرمایه ابتدائی بانک تعیین گردیده است بترتیبی که درین ماده مذاکره خواهد شد بفرض آقای عدل اگر لایحه فروش خالصجات و فروش جواهرات برخلاف ترتیب بنده و ترتیب خیلی از آقایان در مجلس نگذشت اینک فرمودند این قانون هم لغو میشود چرا؟ بجه دلیل؟ آیا این مطلب لغو میشود که دولت بک بانک ملی تاسیس کرده؟ خیر. آیا این مطلب لغو میشود که این بانک ملی پانزده میلیون تومان باید سرمایه داشته باشد نه چیزی که تفاوت میکند این است که محلی که قبلاً پیش بینی شده ممکن است عوض شود و محل دیگری تهیه شود علی الخصوص باماده سه که شما بآن رأی میدیدید. شما بانک را قبل از اینکه این لوائح در مجلس تکلیفش معلوم شود بک مؤسسه رسمی که مشغول عمل جاری است خواهید کرد پس نمیشود گفت که این لایحه لغو میشود باهای این لایحه روی بک چیز موهومی گذاشته میشود و بتعقیده بنده این تقدیم و تأخیر چندان اهمیت ندارد که اینقدر درش صحبت شود و خوبست آقایان موافقت فرمایند همین ترتیبی که مواد تنظیم شده است بگذرد

رئیس - آقای خواجوی

خواجوی - تصور میکنم این وحشی که آقایان از فروش خالصجات و جواهرات دارند و لایحه قطع تذکر میدهند کاملاً تحقیق و تفتیش از شعب مربوطه وزارت مالیه نکرده اند و اگر تحقیق میکردند معلوم میشد که صد هشتاد و پنج قریه در کاشان و انواع سالی دو هزار تومان بدولت منافع میدهد و صد و پنجاه قریه در قراچه داغ سالی پنج

هزار تومان بدولت میدهد و اگر نمایندگان محترم تفتیش و تحقیق میکردند در موقعی که لایحه فروش خالصجات تقدیم مجلس شورای ملی میشد عموماً رأی میدادند و مساعدت میکردند. چرا؟ برای اینکه خراب ترین نقاطی که در ایران هست املاک خالصه است بجهت اینکه تمام اساسی آنها در پیش بنده موجود است و از اداره مربوطه گرفته ام و عایداتش که در هر سالی چقدر میدهند پیش بنده است. کلیه قراء خالصه مملکت آباد و خراب پس از وضع خرج بک میلیون و شصت و سه هزار تومان بدولت میدهد لذا چنانچه بطور مزایده فروش شود و بک قسمتش هم موضوع شود که فروش نشود یعنی خالصجات آباد باقی بماند باز قریب ده و پانزده کرور بلکه بیشتر بدولت عاید میشود لذا بنده هیچ اشکالی نمی بینم و واجب میبینم فروش خالصجات را لازم میدانم که در همین محل ذکر شود که مجلس همین محل است و موردش هم همین جا است اما جواهرات که آقایان میفرمایند. سروراید هر چه بماند روز بروز رطوبت هوا آنرا خراب تر و ضایع تر میکند و امروز بفروشم بهتر است تا فردا بفروشم. ما امروز احتیاج به پول داریم برای بانک و ترویج صنایع و فلاحات و تجارت و غیره برای چه این اندازه وقت مجلس را تلف کنیم و این لایحه باین خوبی را نگذاریم و اینطور خودمان را در مضیقه بگذاریم!

رئیس - آقای مخبر؟

مخبر - بسته به نظر مجلس است.

رئیس - رای گرفته میشود.

افسر - تجزیه کنید

رئیس - چه میفرمائید؟

افسر - خیال کردم ماده است گفتم تجزیه اش کنید

رئیس - رای گرفته میشود به پیشنهاد آقای عدل

آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(معدودی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای بامداد.

(اینطور خوانده شد)

پیشنهاد میکنم (فروش جواهرات از ماده دوم حذف شود.

رئیس - آقای بامداد.

میرزا محمد علیخان (بامداد) - بنده بک قسمت

عرایضم را راجع به مخالفت با فروش جواهرات قبلاً عرض کرده ام حالا هم عرض میکنم. اگر هم بنا شود بفروشیم ضمنی که نباید فروخت و باید موکول شود بلاوجه خودش بجهت اینکه اگر این لایحه الان تصویب شود آن لایحه بیاید بمجلس دیگر مجلس نمیتواند حرف بزند برای اینکه رای داده است و فروشش مسلم شده است و ممکن است برای طرز فروشش بک لایحه بیآورند که باین طرز فروخته شود بنا بر این پیشنهاد کردم که لفظ جواهرات حذف شود و موکول شود به لایحه خودش که اگر مجلس رای داد بفروشد و اگر رأی نداد بفروشد مخبر - آقای بامداد توجه فرمودند به پیشنهاد

آقای یاسائی. اول نوشته شده بود (که لایحه آن بمجلس تقدیم شده است) بعد آقای یاسائی پیشنهاد کردند نوشته شود (که بموجب قانون مخصوص بفروش خواهد رسید) و پیشنهاد ایشان را هم بنده از طرف کمیسیون قبول کردم بنا بر این نظریه شما هم نامین شده است البته وقتی موکول شد به تصویب قانون آن بک لایحه از طرف دولت به مجلس میآید و میرود به کمیسیون و در آن مطالعه و مذاکره میشود و بعد میآورند بمجلس رای میدهند و آنوقت فروخته میشود. اینجا همینقدر که قید شد محل سرمایه بانک فروش جواهرات است که بموجب قانون مخصوص بفروش خواهد رسید. معلوم میشود که باید بیاید بمجلس و هیچ شبهه ندارد.

رئیس - رای گرفته میشود به قابل توجه بودن

پیشنهاد آقای بامداد

آقایانیکه پیشنهاد ایشان را قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(چند نفری برخاستند)

رئیس -- قابل توجه نشد. آقای افسر پیشنهاد کرده اند که در موقع رای گرفتن ماده تفکیک شود. قسمت راجع بجواهرات تفکیک میشود.

افسر -- توضیح بدهم؟

رئیس -- بکن میکنم توضیحی لازم نباشد. ماده دوم قرائت میشود.

(شرح ذیل خوانده شد)

ماده ۲ - سرمایه اصلی بانک پانزده میلیون تومان خواهد بود و محل آن وجوه حاصله از فروش جواهرات دولتی است که بموجب قانون مخصوص بفروش خواهد رسید مخبر - اجازه میفرمائید؟

رئیس - بفرمائید.

مخبر - این دو محل هر کدام جدا جدا پانزده میلیون تومان نخواهد شد.

اگر بگوئیم پانزده میلیون تومان و محل آن وجوه حاصله از فروش جواهرات است کافی نیست و اگر هم بگوئیم پانزده میلیون تومان و محل آن وجوه خالصجات خواهد بود باز کافی نیست و نمیشود تجزیه کرد.

رئیس -- چرا قطعاً وقتی مجلس رای میدهد این مسئله را در نظر میگیرد. رای میگیریم باین قسمت. آقایانیکه موافقت قیام فرمایند.

(اغلب برخاستند)

رئیس -- تصویب شد. قسمت دیگر قرائت میشود.

(اینطور خوانده شد)

ماده ۲ - سرمایه اصلی بانک پانزده میلیون تومان است و محل آن وجوه حاصله از فروش خالصجات است

که بموجب قانون مخصوص بفروش خواهد رسید.

رئیس - رای میگیریم بقسمت ثانی آقایان موافقین قیام فرمایند.

(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد. رای گرفته میشود به مجموع هر دو قسمت آقایانیکه موافقت قیام فرمایند.

(اغلب برخاستند)

رئیس -- تصویب شد. اگر آقایان موافقت چند دقیقه تنفس داده شود

مخالفتی نیست؟

بعضی از نمایندگان - خیر.

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و فاصله سه ربع ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس -- در جلسه گذشته آقای آقا سید یعقوب میخواستند اظهاراتی بکنند بنا بر رای مجلس موکول شد بامروز. اگر مجلس موافق است ایشان اظهارات خودشانرا بنمایند.

بعضی از نمایندگان - مانعی نیست.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب.

آقا سید یعقوب - اولاً بنده سپاسگذاری میکنم و تشکر می کنم از مجلس شورای ملی که با يك وجهه كشاده حق عدالت و مظلومیت بنده را ادا کرد و اجازه داد که بنده عقابدم را بعرض برسانم.

چنانچه نظر مبارکتان هست در جلسه خصوصی که رای اعتماد برای آقای رئیس الوزراء گرفته میشد و بنده اقل قلیل بودم و مخالف بودم خواستم يك عرایضی عرض کنم آقای رئیس آنوقت جلسه را بهم زدند و نگذاشتند عرض کنم و بنده با حال شکسته و چشم گریان خارج شدم و آرزومند بودم که يك روح محبتی در مجلس پیدا شود و اجازه بدهد به يك وکیل ضعیف افتاده و آزادی باو

بدهند که عرایض خودش را عرض کند. این است که بنده سپاس گذاری میکنم از مجلس که انشاء الله اینطور که حق عدالت را ادا کرد موفق شود يك خدمات بزرگی برای ترقی ایران و ترقی ملت بکند...

بنده سپاس گذاری میکنم از مجلس که انشاء الله اینطور که حق عدالت را ادا کرد موفق شود يك خدمات بزرگی برای ترقی ایران و ترقی ملت بکند...

بعضی از نمایندگان - انشاء الله

آقا سید یعقوب - این مسئله بود که بعرض مجلس رساندم و بعد از آنهم عرض میکنم که اکثریت مجلس البته تصدیق میفرمایند که دارای يك حجت قاطعه و برهان فعلی است. برهان اکثریت همان رای دادن است و مسلم است که با يك قیام و قعود میتواند اقلیت را پایمال کند. پس بعد از اینکه بحمد الله همچو قدرت و توانائی در اکثریت پیدا شده است توجه میفرمایند که بنده عرایض خودم را عرض کنم و اگر خارج از حدود هم شدم مقام ریاست حافظ انتظام است و حقوق همه را حفظ میکنم و الا اکثریت به رای قاطع خودش بنده را نابود میکنند. پس آقایانیکه فوق العاده عشق موافقت با دولت دارند احساسات فوق العاده از اینکه بنده را نابود بکنند بروز ندهند. این هم يك مسئله بود که باز با حال تضرع و انکسار بعرض مجلس و موافقین رساندم و امیدوارم باین حالت مظلومیت بنده که تنها هستم اکثریت موافقت کند باستماع عرایض بنده. این هم يك مسئله که عرض شد. يك مسئله دیگر در اینجا آقای رئیس الوزراء اظهار فرمودند بعد از آنکه کابینه محترم خودشان و وزراء عظام را بمجلس معرفی نمودند فرمودند که برگرام من همان برگرام گذشته است. اولاً يك چیز را بعرض مجلس میرسانم که این سابقه در دوره چهارم و پنجم بوده. در دوره چهارم وقتی میرزا احمد خان قوام السلطنه کابینه را تشکیل داد و بعد که کابینه از میان رفت و آقای میرزا حسن خان پیرنیا که رئیس الوزراء شدند تشریف آوردند کابینه را معرفی کردند فرمودند برگرام من همان برگرام است و مجلس هیچ اظهاری نکرد پس آنجا بمنوان سکوت گذشت و همه دانایان و علماء حقوق وقفه و اصول میدانند که سکوت در معرض نیتان موجب رضا است. پس راضی بودند. در

دوره پنجم هم در موقع ریاست وزرائی اعلیحضرت فعلی که تغییری در افراد کابینه شان واقع شد بعد که تشریف آوردند و فرمودند برگرام من همان برگرام است مجلس هم بحال سکوت گذراند و تغییری نکرد. این بود که باز هم این سابقه شد ولی حالا غیر از آن سابقه است پس آقایانیکه موافق هستند و خواستند بعد بمن حمله بیاورند و مرا نابود کنند که این سابقه هست قبلاً عرض میکنم که این سابقه آن سابقه نیست. حالا در اینجا بعد از سپاس گذاری که مجلس اجازه داد بعرض مجلس برسانم خواستم با آقای رئیس الوزراء عرض کنم که مقتضی است این برگرام را تغییر بدهند و برگرام تازه بیاورند به چه دلیل؟ بدلیل اینکه این وزرائی که الان معرفی کردند چهار نفرشان وزراء جدیدند و در کابینه سابق نبودند که آقای فاطمی و آقای تدین و آقای فیروز میرزا و آقای داور میباشند آقای فروغی هم که آنوقت برگرام را بمجلس آوردند در فرنگستان تشریف داشتند. گمان نمیکنم این آقایان هیچ خبر داشته باشند از مواد برگرام. میخواهم از این آقایان بپرسم که آیا مواد برگرام چه چیز است؟ این برگرامی که آنوقت آقای مستوفی الممالک رئیس الوزراء به مجلس دادند (بنده برگرام همراه هست) مواد برگرام چیست؟ گمان نمیکنم مواد برگرام در نظرشان باشد و چون مواد برگرام تحت نظرشان نیست و برگرام هم به مشورت ایشان نوشته نشده و این چهار نفر وزیر محترم در وقتی که برگرام را نوشتند نبودند (و البته نبودند) (خنده حضار) در هیئت وزراء سابق يك برگرامی نوشته اند که اینها اطلاع ندارند این يك دلیل بر این مسئله. دلیل دوم: چهار نفر از اینها (گمان میکنم پنج نفرشان) چهار نفر از آنها وکیل بوده اند و در مجلس بوده اند که قسم میخورم دو نفر از آنها به برگرام رای ندادند یکی آقای فاطمی است یکی فیروز میرزا. اینصورت مجلس است آقای رئیس بفرمایند بیاورند. وقتی که رای به برگرام داده شد این دو نفر رای ندادند آقای تدین

هم رای ندادند به اعتبار اینکه رئیس بوده اند و بیطرف بوده اند و از این جهت او را هم موضوع می‌کنم ولی در نظر وزیر محترم دیگر رای ندادند. آقای داور هم که آن وقت نظرم نیست سفر بودند یا اینجا بودند. اگر هم اینجا بودند نمیدانم حقیقه (رقم روزنامه را به بینم که آقای داور رای به پرگرام داده اند یا نداده اند) حالا درست نظرم نیست چون غالباً تشریف نمی‌آوردند. نمیدانم آن روز آمدند و رای دادند و رفتند یا خیر...

شیروالی - رادیکال‌ها عموماً رای دادند.

آقا سید یعقوب - رای آقای شیروالی را خیلی مقدس می‌شمارم ولی این مسئله غیر از رای آقای داور است چون وکیل از طرف وکیل وکیل نیست، پس این مسئله تصدیق شد، آقای فروغی هم وقتیکه پرگرام را نوشتند نبودند و در آن کابینه هم تشریف نیاوردند. اگر میفرمائید تشریف آوردند در مجلس علی‌آندغه تشریف نیاوردند پس آقای فروغی نبودند و گمان نمی‌کنم که پرگرام هم بعرضشان رسیده باشد. از آقایان سؤال می‌کنم که مواد پرگرام چند تا بود؟

فاطمی - (وزیر داخله) هیچ‌ده تا

آقا سید یعقوب - کم کم از وکلای شنیده اید (خنده نمایندگان) پس در این پرگرامی که خود اکثریت وزراء که پنج نفر باشند از مواد آن مستحضر نیستند و ممکن بود این پرگرام را بردارند ببرند و در آن تجدید نظر کنند چون يك موادی در این پرگرام لازم است که کابینه می‌کنم مجلس فوق العاده بانها علاقه مند است و دو مسئله است یکی را بعضی گفتند ترتیب میدهند که مسئله تجدید کفترت امریکائیها است....

بعضی از نمایندگان - صحیح است

آقا سید یعقوب - بنده با اینکه خیلی در اقلیت هستم و خیلی هم با دولت مخالفم و با اینکه اگر وقتی که پرگرام را بیاورند رای نخواهم داد اما اکثریت مجلس که

از عملیات هیئت وزراء نیست که بگوئیم اگر پرگرام معطل شود کارهای مملکت از بین می‌رود نه. والله از بین می‌رود کارهای مملکت در جای خودش می‌ماند و مانع از کار شما نبود که پرگرام را ببرید در تحت نظر وزرای جدید فعال جوان کارآزموده مجلس دیده که آقای وزیر معارف امروز می‌گوید (عقیده من) و (عقیده دولت) نمی‌گوید پرگرام را در تحت نظر خودتان قرار بدهید و اینمطالب را صحبت نمائید بعد به مجلس بیاورید یکی از مواد پرگرام این بود که ما لوایح اقتصادی تقدیم مجلس می‌کنیم، از جمله لوایح اقتصادی لایحه تجملی بود که گمان می‌کنم هنوز همه بزحمت این لوایح مطلع نشده اید که چه انقلاب اقتصادی تولید کرده یعنی چه پولهائی از جیب مردم در رفت. یکی این لایحه تجملی بود که اصلاً نمیدانم چه شد و چه ترتیبی شد. يك مالیات جدیدی خواستند تحمیل نمایند و بار گرانی درست کنند آن لایحه را بيك جور آورند در مجلس و طوری مردم طهران و ولایات را در مضیقه اقتصاد انداختند وزیر ورور کردند که چه عرض کنم حالا بنده خواستم عرض کنم که آقای رئیس الوزراء که تشریف آوردند و وزراء را این ترتیب معرفی کردند در صورتی که وزراء در موقعی که پرگرام را می‌نوشتند ابدأ شريك ایشان بودند در نوشتن پرگرام و مواد پرگرام تحت نظر غالبشان نیست و الا خوبست يك يك آقایان مواد را بیان کنند چطور میشود يك رئیس الوزرائی بیاید در مجلس شورای ملی بفرماید من این وزراء را معرفی می‌کنم اینهم پرگرام من است و رقم - نه پس بنا بر حق عدالت بنا بر حفظ حقوق اقلیت استدعائی که من از مجلس شورای ملی می‌کنم بنام حفظ آزادی و حفظ يك وکلی که از روی عقیده اساسی عرض مجلس می‌رساند. دولت همین جا پرگرام خودش را پس بگیرد ببرد بنشیند و پرگرام جدیدی در تحت چهار ماده (لازم نیست مراسم بردارند بنویسند) در تحت چهار ماده یکی اجرای قوانینی که از مجلس گذشته و یکی

تجدید کنترت امریکائیها، نه اینکه سرانجامه بنویسند که ما خیال داریم شرق را بغرب وصل کنیم و جنوب را بشمال، خیز اینچیزها را نمی‌خواهیم حالا میخواهیم بگردم پرگرام را پیدا کنم که بعرض آقایان برسانم که یکی از اینها در دوره ما عملی نخواهد شد و اگر پرگرام را بخواهند عملی کنند همینجوریکه اعلیحضرت در دوره پنجم يك پروگرامی آوردند بمجلس و کاملاً عملی شد آن پرگرام را عملی کنند...

بعضی از نمایندگان - پرگرام را همه داریم

آقا سید یعقوب - همه دارید. من هم داشتم نمیدانم چه شد. بلی میخواهم مسئله را خوب بعرض آقایان برسانم که کاملاً این پرگرام محتاج بتجدید نظر است اول مینویسد: حفظ حسن روابط با دول متحابه، در نظر آقایان باشد...

عمادی - اصل پرگرام مطرح نیست.

آقا سید یعقوب - آقا جان مجلس اجازه داد! شما اکثریت هستید. برهان قاطع دارید رای دارید. در عالم برادری و سیادت آنقدر بنده را خفه نکنید. دولت کاملاً با شما حسن عقیده دارد با من سوء عقیده دارد (خنده نمایندگان) اول حفظ حسن روابط با دول متحابه. اینجا آروز عرض کردم این است احوال تجارت و اقتصاد طرف شمال ما، این است حال شرق ما....

(صدای زنگ رئیس)

رئیس - استیضاح نکنید

آقا سید یعقوب - استیضاح که رفت استیضاح کردیم که استعفاء دادند. بسیار خوب، در آنوقتی که این پرگرام نوشته شد چون اغلب این وزراء حاضر نبودند و در آنکابینه تشریف نداشتند و موافق نبودند استدعا می‌کنم همین جوریکه مجلس بمن اجازه داد که عقاید خودمرا عرض کنم این پرگرام را دولت پس بگیرد و ببرند و با اشتراك همدیگر و مسؤولیت مشترکه که دارند يك پروگرامی بنویسند و بیاورند حالا چون میدانم

رای میدهد. خوب است این پرگرام را ببرند و يك پرگرام نازم بیاورند که در آن صحبت کنیم. يك مسئله دیگر هست و آن این است که این کابینه يك کابینه ملی است آثار ملیت ما یکی مطبوعات است، چند سال است مطبوعات در سانسور است آنوقت معاون وزارت داخله میگوید من خبر ندارم! در سرکر روزنامه اش در فشار سانسور است، خط سانسور بی‌پیر خفه اش کرده است مطبوعات شما را بعد از بیست و پنج سال سانسور میکنند! آزاد بخواهان که بنام آزادی اینجا نشسته اید آنوقت معاون وزارت داخله میگوید من خبر ندارم، بنده میدانم چطور مطبوعات ما سانسور است، بلی هر سطر که حمله بنمایند کاتب باشد سانسور نیست اما عملیات دولت سانسور است اگر عملیات دولت را جرئت میکردند بنویسند بنده از نوشتن مراسله خبردار نمیشدم! از دیوان محاکمه که برخلاف قانون اساسی تشکیل میدهند مطلع نمیشدم! از مسئله تصویب نامه ها ده دم!! این چیزها، مطبوعات در سانسور است اما بنده که وکیل هستم صبح بروم گردش احوالات بنده را کاملاً مطلع هستند چرا؟ برای اینکه بدبخت وکیل مظلوم است ولی شما خوشوقت هستید بنده در حال بدبختی هستم تمام اعمال من تحت نظر مطبوعات است ولی اعمال دولت را جرأت نمی‌کنند بنویسند، دستشان را خرد میکنند یکی از آن مسائل این بود که این پرگرام را دولت ببرد و مرتبه همین اکثریتی که آمدند رای دادند همین پرگرام دو مرتبه تحت نظر همین اکثریت می‌آید و صحبت میشود یعنی اگر شما مثلاً پرگرام را ببرید مانع از عملیاتتان است؟ آقای وزیر عدلیه رفتند عدلیه را منحل کردند کسی صحبت کرد؟ که کار دیگر بکنید جرف بزنند؟ آقای وزیر معارف معاون را تغییر دادند....

وزیر داخله - حقشان بود

آقا سید یعقوب - آن یکی رئیس کابینه را تغییر داد آنها مانع از عمل نیست. پرگرام بکنند مانع

خاطر آقای رئیس خسته میشود و خیلی درستشان دارم دیگر عرض نمیکم این کابینه هم غیر از لوثن مراسم و تصویبنامه و تشکیل دیوان عدالت بر خلاف قانون اساسی هیچ چیزی درست نمیکند این همان کابینه سابق است که آن بد بختی را برای ما تهیه کرد.

رئیس الوزراء - آقای آقا سید یعقوب گویا از این نکته غفلت فرمودند که برگرایی که تقدیم مجلس میشود باید با موافقت نظر آندولتی که برگرام را تقدیم میکند باشد و ایندولت حاضر هم با همان برگرام موافقت نظر داشته است و بنده هم که آن برگرام را تقدیم کردم آقایان دیگر هم موافقت کرده اند و این مسئله سابقه هم داشته است دفعه اول نیست و گمان میکنم آقایان نمایندگان هم که در دوره های سابق تشریف داشتند مثل اینکه خود آقای آقا سید یعقوب همینجا تذکر دادند بخاطر دارند که سابقه هم داشته است

بعضی از نمایندگان - صحیح است.

رئیس الوزراء - و امروز هم عین همان برگرام را آقایان همکاران بنده تصدیق دارند و همانرا برگرام خود قرار داده ایم. حالا دیگر بسته بنظر مجلس است که آن سابقه را میل دارند اهمیت بدهند یا ندهند این از وظایف مجلس است نه از وظایف ما ولی برگرام دولت (مکرر عرض میکنم اگر چه تکرار مطلب خوب نیست) ولی برگرام دولت حاضر همان برگرام سابق است و اگر هم موادی لازم باشد که بعد تقدیم مجلس بشود البته بطور لایحه ندرجاً تقدیم مجلس میشود و هیچ برگرایی هم در هیچ موقع بطور قطع نمیتواند حاوی تمام اقدامات آن دولت باشد و تا وقتی که آن دولت در سر کار است ممکن است بسا چیزها پیش آید که بطور لایحه تقدیم کند. حالاً هم اگر يك چیزها تیرا دولت در نظر بگیرد و لازم بداند بطور لایحه تقدیم میکند اما فعلاً برگرام دولت بطوریکه عرض کردم همان برگرام سابق است ولی این سابقه را رد کردن یا قبول کردن بسته بنظر مجلس است

اینکه در مواد برگرام همیشه یا اغلب يك چیزهای کلی را در نظر میگیرند که در ذیل آن مسائل کلی لوابجی است که بمجلس میآید و مطالب را در معرض مذاکره و مباحثه و بالاخره رای آقایان قرار میدهد - اگر عادت درینند که در مملکت ما در هر چیز هست این را سعی کنیم و بخواهیم مرتفع کنیم (که يك اخلاقی همیشه خودشان را ملتزم ندانند که رویه و اسلوب اسلاف خودشان را ولو اینکه در روی يك اصول صحیحی بوده تعقیب نکنند) این بعقیده بنده يك کار خوبی است برگرایی است تقدیم شده. در مجلس مورد بحث واقع گردیده مصوب مجلس است - مجلس بآن برگرام رای داده اگر يك اشخاصی که آموخت شرکت در کار دولت نداشتند امروز معتقد باشند که باید همان رویه را گرفت و تعقیب کرد این بنظر بنده يك چیز خوبی است و بایستی تشویق هم بشود نه اینکه بایستی اینطور نمایش داد که حتماً هر کسی می آید آن چیز را که قبلاً بوده خوب یا بد آنرا تغییر بدهد اشاره فرمودند باینکه چند نفر از ماها که در مجلس بودیم در آن موقع با برگرام دولت که امروز هم برگرام دولت است مخالفت کردیم - اینطور نیست - اشتباه کرده اند - حالا توضیح عرض میکنم برای اینکه همانطور که خودشان تذکر دادند آقای تدین رئیس مجلس بودند و ایشان موقعیتی نداشت که اظهار عقیده کرده باشند بملاحظه همان مقامشان اظهار عقیده نکردند آقای داور که یکی از مدافعین برگرام بودند - آقای فاطمی و بنده هم در موقع گرفتن رای امتناع کردیم و هیچ رای ندادیم - معنی امتناع مخالفت نیست - علی الخصوص که رویه بعدی ما که در تمام لوابج دولت که بمجلس میآید مدافع بودیم و رای میدادیم خوب نشان میدهد که امتناع اولی ما يك حال ردیدی بود و هیچ موجب مخالفتی نبود

آقا سید یعقوب - مخصوصاً مسئله استیضاح

وزیر مالیه - و همینطور که آقای رئیس الوزراء

اشاره فرمودند این اظهاریکه از طرف دولت شده است مبنی بر سابقه بوده است - آقایان البته متذکر هستند که در نظامنامه و حتی قوانین موضوعه هم هیچ جا يك مواد صریحی که تکلیف دولت را در موقع معرفی - در موقع برگرام و این قبیل مواد مشخص نماید هیچ موجود نیست فقط در قانون اساسی چند ماده است که مربوط است بعزل و نصب وزراء و مربوط است بمواقعی که مجلس نظری دارد یا تراضیاتی دارد و هر چه از این زمینه ها موجود هست بنا بر سابقه است و البته این سابقه که از امور داخلی خود مجلس است ما در آن نباید اظهار عقیده کنیم - يك سوابقی بود و بر روی آن زمینه اظهار نظر شد حالا البته بسته بنظر خود مجلس است - میخواهد آنرا تجدید کند - هم بزند - مجدداً همین برگرام سابق که برگرام فعلی دولت است مطرح کنند اینها هم مربوط بنظر خود مجلس است و ما نباید اظهار عقیده کنیم ولی ماسابقه و احترام آنرا حفظ کرده ایم و برگرام فعلی دولت را گفته ایم همان برگرایی است که سابق بود اشاره کردند که يك مسائل جدیدی است که اینها در برگرام باید گفته شد بنده نمی بینم که يك مسائل جدیدی باشند این مسائل را که ذکر کردند مسائلی بوده است که همیشه بوده است و برگرام ها هم همیشه شامل آنها بوده است و همانطوریکه آقای رئیس الوزراء اظهار کردند لوابجی که از طرف دولت همیشه به مجلس آمده و بعد خواهد آمد مفسر و معبر آن کلیاتی است که در برگرام است و عمل دولت را به شما نشان میدهد و در معرض تصدیق و تکذیب خودتان خواهد گذاشت و در هر موقعی هم نسبت باین قضایا هر عقیده دارید اظهار خواهید کرد - نسبت باین بیانات هم که فرمودید که در برگرام اشاره شده است اگر در برگرام نوشته شده است (اصلاح وزارت عدلیه) البته توضیحی در برگرام داده نشده بود که آن اصلاحات از چه راه خواهد شد و

لواجش در موقع باز بحضور خودشان تقدیم خواهد شد
همینطور در موضوع مالیه ماده در پرگرام بود که دولت
انظار عقیده خواهد کرد و لواجی تقدیم خواهد کرد
يك قسمت از لواج که تقدیم شده و بقیه هم باز تقدیم
خواهد شد و تمام اینها در موقعی که لواجش مجلس
تقدیم میشود مورد مذاکره خواهد شد بملاوه آقای
آفاسید یعقوب خودشان خوب میدانند که يك چیز را که بعقیده
ایشان دولت تصور بکنند و بیاورد بمجلس باطره از او داشته
باشد راه سؤال و استیضاح و تقاضای وارد کردن در
مجلس باقسام مختلف برای آقایان نمایندگان مفتوح است
و در نظام نامه معین شده است و ما هم حاضر خواهیم بود
که مطابق آن برای مذاکره و سؤال و جواب حاضر باشیم.
شیروانی - مذاکره کافی است.

ضیاء - کافی نیست.

رئیس - آقای زوار پیشنهادتان قرائت شود.

زوار - بلی.

(پیشنهاد آقای زوار اینطور خوانده شد)

بعد از نطقهای آقایان وزراء ختم جلسه را پیشنهاد
میکنیم.

آفاسید یعقوب - بنده مخالفم.

رئیس - آقای زوار

زوار - بنده تصور می کنم مذاکراتیکه راجع به
پرگرام میشود موضوعی نداشته باشد برای اینکه پرگرام
هیئت دولت را آقای رئیس الوزراء در کابینه گذشته
شان تقدیم کرده اند و سابقه هائی هم در دوره چهارم
و پنجم بوده است که اگر روزی رئیس دولت بگوید
که من آن پرگرام را قبول میکنم این تصدیق شده
است و بطوری هم که شاهزاده فیروز میرزا فرمودند در نظامنامه
هم چیزی در این موضوع ذکر نشده است بنا بر این
آقایان مخالفین باید روی پرگرام صحبت کنند و

آفاسید یعقوب - این حرف را رئیس باید بگوید
نه وزیر ا من وکیل

رئیس - (خطاب باقای آقا سید یعقوب) بگذارید
آقای وزیر اظهارات خودشان را بکنند

آفاسید یعقوب - بچه دلیل آقای وزیر این حرف را
میزنند؟ حافظ نظامنامه رئیس است

وزیر معارف - بنده میدانم که نظامنامه را خوب
حفظم. در نظامنامه قید شده است وقتی که ناطقی صحبت
میکند کسی دیگر جلو نطقش را نباید بگیرد و نباید نوي
نطقش بدود. این ناطق اعم است خواه وزیر باشد یا
وکیل، علی ای حال بنده معتقدم که آقای زوار این
پیشنهاد خودشان را مسترد نمایند تا تکلیف سابقه از
حیث اثر و عدم اثر معلوم شود

زوار - بطوریکه آقای وزیر معارف فرمودند مسترد میکنم

رئیس - آقای دادگر

دادگر - عرض میکنم آقای آقا سید یعقوب تنها
بکنفر بودند که اظهار مخالفت کردند و دو نفر از آقایان
وزراء هم جواب دادند. بنده تصور میکنم که اگر مخالف
دیگری هم هست و حرفی دارند بگویند و زیاده روی هم
کسی نمیخواهد بکنند با ایشان هم بر خلاف عدالت
نمیخواهند رفتار نمایند. اگر روی سابقه میخواهند حرف
زنند که هیچ و الا مذاکرات بعقیده بنده کافی است.

رئیس - مذاکرات کافی است؟

جمعی از نمایندگان - بلی کافی است

رئیس - پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

(بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم به پرگرام دولت رای مثبت گرفته شود

رئیس - مقصود از رای مثبت چیست؟

آفاسید یعقوب - بنده سه دوره است اینجا وکیل

هستم و تکلیف خودم را خوب میدانم. آقای وزیر هم

به بنده تغییر نکنند بنده عرض کردم که اگر خارج از
وظیفه رفتار کنم تکلیف آقای رئیس است که جلوگیری کنند
زوار - زیاد حرف میزنید

آفاسید یعقوب - شما هم حق ندارید. یعنی چه
مجلس شورای ملی است - آقای مؤمن الملك است.
عرض میکنم در آن جلسه خصوصی که رای اعتماد گرفته
شد آن جلسه خصوصی رسمیت ندارد بنا بر این پیشنهاد کردم
که نسبت بدولت رای اعتماد گرفته شود این را هم حق ندارم؟
رئیس - پیشنهاد این مقصود را نبرساند چون
اسم پرگرام را برد اید

آفاسید یعقوب - نسبت بدولت پیشنهاد می کنم
پرگرام را بر میدارم

رئیس - رای اعتماد گرفته شود؟

آفاسید یعقوب - بلی

رئیس - پیشنهاد آقای دادگر

(اینطور خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم بحفظ سابقه رای گرفته شود

رئیس - بنظرم میاید که همچو رای نشود گرفت.

به پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب رای میگیریم اگر رد شد
در واقع منظور جنابعالی تأمین میشود بحفظ سابقه رای
گرفتن يك قدری اشکال دارد

شیروانی - پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب قرائت شود

رئیس - پیشنهاد ایشان این است که رای اعتماد
گرفته شود. اول باید رای بگیریم که باید رای اعتماد
گرفته شود یا نه؟ اگر تصویب شد در نافی رای
اعتماد میگیریم آقای دشتی

دشتی - عرض میکنم. اینجا يك اشتباهانی هست
و آن این است که آقای آقا سید یعقوب میگویند که
دولت حق ندارد عین پرگرامش را بیاورد. این البته
حرف بی اساس بود زیرا دولت حق دارد پرگرام سابق

خودش را یا کابینه دیگری بیاورد بمجلس و سابقه هم روی این زمینه بوده است که اگر يك دولتی پرگرام سابق خودش را قبول کرد مجلس ممکن است بان پرگرام رای بدهد ولی يك نکته که محل اختلاف است این است آیا این پرگرام باید مطرح بشود یا نه؟ عده زیادی از آقایان و کلاء اینطور که بنده احساس میکنم عقیدهشان این است که پرگرام باید مطرح شود برای اینکه پرگرامی که در سه ماه یا چهار ماه قبل مطرح شده است و دولت اکثریت داشته است این دلیل نمیشود که همیشه عین آن پرگرام محل توجه باشد و این بعقیده بنده صحیح است و تصور میکنم با اکثریتی که هیئت دولت دارند و برای اعتمادی هم که باقاي مستوفی داده شده است هیچ محظوری در بین نیست که عین پرگرام مطرح شود و بعد هم به پرگرام رأی گرفته شود و سابقه هم همیشه این بوده است که يك هیئت دولتی که بمجلس معرفی میشود بعد از معرفی شدن پرگرامش باید مطرح شود و بعد از مطرح شدن رأی به پرگرام میگيرند و بان ترتیب ما رای اعتماد بدهیم بيك دولتی که هنوز پرگرام آن مطرح نشده است تصور میکنم خود این برخلاف سابقه باشد.

رئیس - آقای دادگر

دادگر - این مطالبی که مذاکره میشود يك مذاکرانی است که معمول نبوده است و پیشنهادی که بنده کردم در مقابل فرمایش آقای آقا سید یعقوب بود که پرگرام دولت قبل تمسك کنند یا نه و پیشنهاد بنده این بود که چون سابقه در مجلس شورای ملی هست و این سابقه را هم بنده دوست میدارم برای اینکه خلف نیاید و کار خوب سلف را از بین ببرد نظر بنده این بود که این سابقه محفوظ بماند و در موضوع اینکه پرگرام باید مطرح بشود یا نباید مطرح شود این يك موضوعی است که منافی با پیشنهاد بنده است و در این موضوع عرضی ندارم

رئیس - آقای زوار

زوار - پرگرام را بایستی دولت معین کند. هیچ شکی در این نیست رئیس الوزرای معظم دولت آن کسی که در صدر دولت معین شده و با اکثریت نود و چند رای باو رای اعتماد داده شده است.

آیه الله زاده خراسانی - آن رای مؤثر نیست

زوار - اطلاع ندارید. آقای اطلاع هستند. بنده هو نمیشوم خودم آهوه هستم (خنده حضار) افعال التفصیل هو. رئیس الوزراء میگوید پرگرامی را که در کابینه سابق تقدیم مجلس کردم حالا هم آن را تعقیب میکنم دیگر وکیل نمیتواند بگوید شما این پرگرامتان را ببرید عوض کنید. مواد پرگرام همان است که مجلس شورای ملی بان رای داده است بنا بر این بنده نمی فهمم که چطور میشود دوباره بان رای بدهند این يك چیز تازه است و بعقیده بنده سابقه ندارد.

رئیس - آقای مدرس

مدرس - بنده کم کم با اظهارات آقای وزیر معارف همراه شدم. مسئله کم کم نظری شد اول خیلی واضح و روشن بود حالا مسئله نظری شد که اگر يك دولتی بیاید و بگوید پرگرام من همان پرگرام دولت پیش است آیا مجلس باید بگذرد و دیگر موردی برای اینکه رای اعتماد بان دولت بگیرد یا نکیرد باقی میماند یا نمیمانند یا همین جور که آقایان مذاکرات فرمودند باید بگذرد و این دولت هم برود سرکار؟ باین دولت رای اعتماد بهش داده شده است یا داده نشده است؟ این يك مسئله نظری است این دولت یا به استیضاح یا به استعفا رفت و يك دولت دیگری آمد و او هم گفت پرگرام من همان پرگرام سابق است آیا باید مجلس قناعت بکند و تشریف ببرند یا خیر بیاناتی که آقای رئیس الوزراء فرمودند بعقیده بنده خیلی جامع بود و فرمودند پرگرام دولت همان پرگرام است اما مجلس دیگر تکلیفش را خودش میداند از ناحیه دولت فرمایشات آقای رئیس الوزراء خیلی کامل

بود. آقای آقا سید یعقوب هم در بعضی فرمایشاتشان فرمودند و الا همان فرمایش آقای رئیس الوزراء ما راقانع کرد که این پرگرام عقیده تمام افراد دولت است. البته باید این را تلقی بقبول کرد اما اگر پرگرام مطرح می شد و یکی یکی در موافقت صحبت میشد آخر منتهی بيك رایی ممکن بود بشود یا نه؟ رای به پرگرام باصطلاح ما موضوعیت ندارد طریقت ندارد برای اعتماد بدولت (جمعی از نمایندگان صحیح است) حالا بعد از اینکه دولت آمد و گفت پرگرام من همان پرگرام است آنچه در تعقیب پرگرام واقع میشد کجا میرود حالا باید رای گرفت یا نباید رای گرفت؟ اما سابقه را هم که فرمودند بنده همچو نظرم است آن دولتهائی که می فرمودند پرگرام ما همان پرگرام سابق است مخالفی پیدا نمیکرد اما بعقیده بنده چون حالا این مسئله مذاکره شده است باید این قضیه حل شود که بعد از این اگر مبتلا شدیم معلوم باشد که چه باید کرد؟ البته حالا مجلس رای میدهد و همه هم رای میدهیم پرگرام را هم همه مان میدانیم موافق هم همانها است که بود همه اش هم خوب بود خیلی از آنها هم در جریان است لیکن بعد از این هر دولتی که آمد بمجلس و انکال کرد به پرگرام سابق تکلیف رای اعتماد نسبت باو چه می شود؟ چون بعد از این مذاکرات این مسئله بعقیده بنده نظری است و همانطور که آقای وزیر معارف فرمودند باید مسئله را حل نمائیم. در جلسه امروز با فردا یا هر موقع و بنده عرض دیگری ندارم و چون این مذاکرات شده است باید مسئله حل شود.

رئیس الوزراء - سوء تفاهم نشود که بنده اینکه عرض کردم پرگرام دولت همان پرگرام سابق است غرض این است که طفره از رأی اعتماد بدولت باشد خیر؟ بنده هیچ همچو نظری را نداشته ام چون حقیقه عقیده بنده و همکاران بنده این بود که پرگرام دولت خوبست و همین پرگرام را پرگرام خودمان قرار خواهیم داد

این بود که بعرض مجلس رساندم و عرض هم کردم این منوط بنظر آقایان است که آن سابقه را میل دارند محفوظ بماند یا خیر؟ ولی حالا بنده می بینم که يك مذاکرانی پیش میاید که بان مذاکرانی که فعلا پیش آمده است اگر آقایان هم بخواهند این مسئله را مسکوت بگذارند بنده حاضر نیستم و حاضر هم نیستم بدون گرفتن رای اعتماد امروز از مجلس شورای ملی بیرون بروم و استدعا میکنم همین امروز رأی اعتماد نسبت بدولت گرفته شود

جمعی از نمایندگان - صحیح است

رئیس - دو فقره پیشنهاد است قرائت میشود.

(بشرح آتی خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم نسبت بدولت و پرگرام آن که

همان پرگرام سابق است رای اعتماد گرفته شود

(احتشام زاده)

بنده پیشنهاد میکنم پرگرام دولت مطرح شود

(ضیاء)

رئیس - دو پیشنهاد است یکی اینکه پرگرام مطرح

شود دیگر اینکه بدون اینکه پرگرام مطرح شود رای

اعتماد گرفته شود. آقای وزیر مالیه.

وزیر مالیه - بنده تصور میکنم بعد از اینکه رئیس

دولت تقاضای رای اعتماد از مجلس کرده است دیگر

پیشنهاد موافق و مخالفی در کار نیست (بعضی از نمایندگان

صحیح است) رئیس دولت در هر موقع که بخواهد

تقاضای رای اعتماد می کند مسائل باید روشن باشد هیچ

دولتی البته صلاح نیست که در حال مبهم خدمت مملکت

را ادامه بدهد. آقایانی که موافقند رای اعتماد خواهند داد

و آقایانیکه موافق نیستند رای اعتماد نخواهند داد.

رئیس - آقای دشتی مخالفید؟

دشتی - با این مذاکره که شد مخالفم.

رئیس - بفرمائید

دستی -- نزاع صغروییست نه کبروی. دولت همیشه حق دارد که از مجلس رای اعتماد بخواهد و مجلس هم نمیتواند این تقاضا را رد کند. در این باب شبهه نیست صحبت سر این است دولتی که نازه معرفی شده و هنوز پرگرامش مطرح نشده است حالاً می تواند رای اعتماد بخواهد یا بعد از اینکه پرگرام مطرح شد باید رای گرفته شود؟ صحبت سر مطرح شدن پرگرام و عدم مطرح شدن است البته دولت باید رای اعتماد بخواهد و قضیه مبهم نماند و هیچ شبهه در این نیست.

رئیس -- آقای وزیر معارف

وزیر معارف -- بنده تصور میکنم همانطوریکه آقای مدرس اظهار کردند تا کنون معمول بوده است که بعد از مطرح شدن پرگرام دولت رای به پرگرام گرفته می شده است و در واقع نتیجه این رای رأی اعتماد بدولت است بنا بر این در صورتیکه رئیس معظم دولت و سایر آقایان وزراء موافقند و تقاضای رای اعتماد می نمایند مباحثات چندین جلسه نسبت به پرگرام دیگر مورد ندارد و بعقیده بنده خوب است مقرر بفرمایند رأی اعتماد گرفته شود.

رئیس -- رأی میگیریم با قیام و قعود.

حاج آقا رضا -- (رفیع) -- با ورقه رأی گرفته شود
رئیس -- قاعده کلی قیام و قعود است آقای رفیع
حاج آقا رضا -- (رفیع) -- بالاخره دولت باید بداند که کی با او همراه است و کی با او همراه نیست و با ورقه باید رای گرفته شود.

رئیس -- ناپیشنهاد نشود بنده که نمی توانم با ورقه رای بگیرم.

شیروانی -- الان پیشنهاد میکنم.

رئیس -- آقای افسر مقصودنان چیست.

افسر -- اول مذاکره که آقای رئیس فرمودند این بود که رای گرفته شود باینکه آیا رای اعتماد بدهند یا نه؟ حالا آقایان میگویند رای اعتماد می گیریم کدام یکی است؟ رئیس -- موضوع اولی منتفی شد، حالا رای اعتماد می گیریم یعنی اگر اکثریت بود آقایان وزراء و هیئت وزراء سرکارشان هستند والا مستعفی میشوند مطلب واضح شد؟ جمعی از نمایندگان -- صحیح است
رئیس -- راجع باخذ رای پیشنهاد رسیده است قرائت می شود.

(بشرح آتی خوانده شد)

پیشنهاد میشود با ورقه رای گرفته شود - شیروانی دادگر - احتشامزاده - دکتر سنگ پیشنهاد می کنیم با ورقه رأی گرفته شود - شریعت زاده - زوار - رفیع محمدعلی دولتشاهی

رئیس - رای اعتماد گرفته می شود نسبت به هیئت دولت آقایان که موافقند اوراق سفید می دهند والا کبود (اخذ آراء شروع شد)

رئیس - آقای بهبهانی اوراق رای همراه ندارند بطور استثناء اگر اجازه داده می شود روی کاغذ سفید رأی خود را بدهند.

بعضی از نمایندگان چه ضرر دارد.

رئیس - آقای جلالی اشتباهها دو رای داده اند بکیش موضوع می شود.

(اوراق رای تعداد شده و نتیجه به قرار ذیل حاصل شد)

ورقه سفید ۷۹ ورقه کبود ۲.

رئیس - عده حاضرا ۱۰۳ با ۷۹ رای رای اعتماد نسبت بدولت داده شد. جلسه را هم اگر آقایان موافق باشند ختم می کنیم. جلسه آینده روز پنجشنبه دستور بقیه دستور امروز.

(مجلس یکساعت و نیم بعد از ظهر ختم شد)